

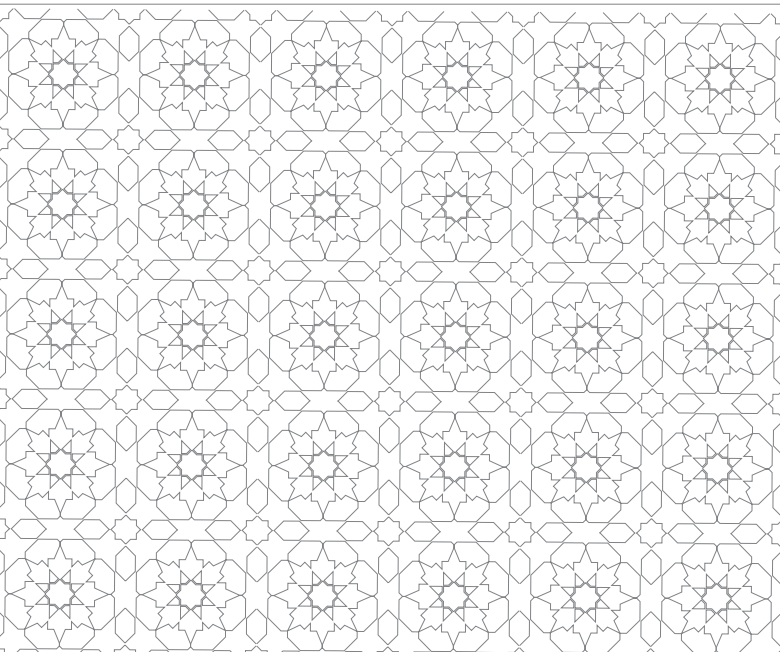


پرستش کتاب مقدسی

تت استیوارت

پرستش کتاب مقدسی

تت استیوارت





انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

جهت تهیه این کتاب و یا دسترسی به سایر ادبیات مسیحی چاپ
انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی)، با رایانامه زیر به فارسی یا
انگلیسی تماس بگیرید

order@judeproject.org

سرشناسه: پرستش کتاب مقدسی

نویسنده: تت استیوارت

صفحه‌آرایی: انتشارات جهان ادبیات مسیحی (جام)

ناشر: انتشارات جام، زیر مجموعه جودپراجکت

چاپ: اول، ۲۰۱۸

حق چاپ این اثر برای انتشارات جام محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم گرفته شده است.

فهرست مطالب

مقدمه/۶

بخش اول: پرستش چیست؟ / ۹

بخش دوم: پرستش نادرست چیست؟ / ۱۹

بخش سوم: محک پرستش راستین / ۲۹

بخش چهارم: ثمرهٔ پرستش راستین / ۳۹

بخش پنجم: پرستش در جلسات کلیسایی / ۴۹

بخش ششم: شام خداوند / ۵۹

بخش هفتم: مراسم تدفین مسیحی / ۷۱

بخش هشتم: پرستش، طعمی از آسمان / ۷۹

مقدمه

پرستش خدا در مرکز تمام آنچه که ما مسیحیان انجام می‌دهیم قرار دارد؛ چون تمرکز دل‌های ما را از خودمان به سوی خدا معطوف می‌کند و طعم آنچه در ملکوت خواهیم دید را به ما می‌چشاند. این روش خدا برای تعلیم ماست که تمام جلالی که در خور نام اوست را به او تقدیم کنیم؛ وسیله‌ای ضروری برای تقدیس ما و شهادت‌مان برای دنیایی است که رو به مرگ می‌رود. در عین حال، پرستش یکی از مسائل کلیسای امروزی است که بیشترین سوء تفاهم در مورد آن وجود دارد. در طول چهل سال خدمت، شاهد موارد بسیاری از به‌کاربری اشتباه پرستش کتاب مقدسی بوده‌ام. من این کتابچه را نوشتم تا به شما در تشخیص بعضی از آن اشتباهات در زندگی شخصی، کلیسا و یا مشارکت‌تان کمک کند.

پرستش طرح خدا است تا تمرکز ما را بر او معطوف کند. پرستش می‌باید شخصیت خدا را

برجسته کند و برای تجلیل از عمل رهایی‌بخش او از طریق پسرش روی صلیب باشد. اما اغلب اوقات رهبران پرستش تبدیل به مجری روی صحنه می‌شوند و پرستندگان، مخاطبینی منفعل هستند که حقیقتاً به سوی پرستش رهبری نمی‌شوند. برای برخی، پرستش وادار کردن خدا به تهییج احساسات مردم است و به همین خاطر، پرستش با احساسی که به ما می‌دهد سنجیده می‌شود. من در جلساتی بوده‌ام که رهبر پرستش اعلام کرده است که آنقدر به سرود خواندن و شکرگزاری ادامه می‌دهیم تا خدا معجزه‌ای نشان دهد. آنچه که نباید فراموش کنیم، این است که پرستش تنها سرودهای شکرگزاری نیست. پرستش شامل دعا، اعتراف به گناهان‌مان، اعتراف ایمان‌مان از طریق اعتقادنامه‌های کلیسایی، قرائت کلام خدا، شنیدن موعظه، تقدیم هدایا و دریافت برکت از خداست. هدف از پرستش این است که اعلام

کنیم خدا شایسته ستایش ماست، زندگی خود را به عنوان قربانی زنده به حضور او بیاوریم و تا با نگاه به عیسی به عنوان بانی و تمام‌کننده ایمان‌مان، در جلال رشد کنیم.

دعا می‌کنم با مطالعه این کتابچه، خداوند درک شما از خدا را گسترش دهد و روح‌القدس قلب شما را چنان لمس کند که تصمیم بگیرید با کمال میل، در حرف و عمل او را بپرسید و ستایش کنید.

برکت خدا با شما
کشیش ت استیوارت

بخش اول

پرستش خدا چیست؟

«ای خداوند، مستحقی که جلال و اکرام و قوت را بیابی» (مکاشفه ۴: ۱۱).

پرستش، نبض زندگی مسیحی است چرا که هر فرد مسیحی آفریده شده تا پرستش کند. گناه موجب ویرانی پرستش گردید زیرا گناه سبب شد که بشر از خدای خویش جدا گردد و ارتباطش با او قطع شود. اما فدیة الاهی به واسطه مسیح، پرستش واقعی را بار دیگر برقرار داشت. به واسطه عهد نوین در خون مسیح است که گناهکاران می‌توانند بار دیگر با حمد به صحن‌های خداوند داخل شوند. رسالت کلیسا این است که پرستش راستین را بر روی زمین برقرار کند. آنگاه که

شعله‌های پرستش با حرارت شایستگی راستین
 الاهی زبانه می‌کشد، شهادت کلیسا به عمق
 تاریکی نفوذ می‌کند، حتی در دور افتاده‌ترین
 نقاط زمین. پرستش طعمی است از آسمان، زیرا
 یوحنا رسول چون چشم به آسمان برافراشت،
 توده‌ای عظیم از مردمان از هر ملت را دید که در
 ستایش خدا می‌سراییدند (مکاشفه ۷: ۹-۱۲).
 در آسمان، همگان خدا را پرستش خواهند کرد
 و بدین‌سان شهادت خواهند داد که پرستش،
 نشان فرا رسیدن فرمانروایی اوست. لذا پرستش
 وظیفه هر مسیحی است، چرا که ایمانداران به
 هنگام پرستش است که این امید خود را ابراز
 می‌دارند که خدا فرمانروایی خواهد کرد و هر
 ناعدالتی به حضور تخت سلطنت او آورده خواهد
 شد. بنابراین، پرستش واکنش مثبت ایمانداران
 به خدا و به کاری است که او برای ایشان انجام
 داده است. پرستش کتاب مقدسی این نیست که
 شخص خدا را بپرستد تا از طریق آن چیزی

دریافت کند، بلکه چون فقط خدا سزاوار پرستش است. آنچه مرا بر آن داشته تا به موضوع پرستش خدا پردازم، اشتیاق قلبی من است برای آنکه جلسات پرستشی ما باعث خشنودی خدا شوند. کتاب مقدس بارها در خصوص پرستش نادرست هشدار داده است و این امر ما را تشویق می‌کند تا توجهی جدی به درک موضوع پرستش از دیدگاه کتاب مقدس داشته باشیم. در اولین بخش از این مجموعه مقالاتی که عنوانش را «پرستش کتاب مقدسی» گذاشته‌ام، خواهیم کوشید تعریفی را که کتاب مقدس از پرستش راستین به دست می‌دهد مورد بررسی قرار دهیم.

اجزای پرستش راستین

عهد عتیق و عهد جدید برای پرستش خدا از کلمات گوناگونی استفاده می‌کنند. وقتی تمام این کلمات را کنار هم قرار می‌دهیم، متوجه

می‌شویم که پرستش در کتاب مقدس از سه جزء اساسی تشکیل شده است.

جزء نخست

جزء نخست این است که پرستش «حالتی قلبی است». سلیمان می‌گوید: «لیکن تو از خدا بترس» (جامعه ۵: ۷). پرستش یعنی اینکه در قلب خود با ترس و احترام در حضور خدا سجده کنیم. نویسنده رساله به عبرانیان می‌گوید: «بیایید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت، عبادتی پسندیده نماییم» (عبرانیان ۱۲: ۲۸، هزاره نو). پرستش راستین باید همراه باشد با حسی عمیق از ترس از قدوسیت و قدرت مطلق خدا و فروتنی ما در حضور او که ما را محبت نمود و پسرش را فرستاد تا در راه ما جان بدهد.

جزء دوم

جزء دوم، «ابراز حالت قلبی» از طریق اشکال مختلف پرستش است. ما دعوت شده‌ایم تا در حضور او سجده کنیم: «بیاپید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم» (مزمور ۹۵: ۶). برای ستایش او باید لب‌های خود را به کار ببریم: «برای خداوند سرود خواهم خواند زیرا که به من احسان نموده است» (مزمور ۱۳: ۶). سرود خواندن ما شهادتی است که دربارهٔ محبت‌مان به مسیح به یکدیگر می‌دهیم: «با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید» (کولسیان ۳: ۱۶). باید تمامی وجود خود را بیاوریم و در حضور او سجده کنیم و هرچه داریم به کار ببریم تا به همه اعلام کنیم که خدای ما کیست. خدا قوم خود را فرا می‌خواند تا با هم گرد آیند و او را پرستند تا

دربارهٔ جامعهٔ نوین الاهی به جهان شهادت دهند: «از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم...» (عبرانیان ۱۰: ۲۵، هزارهٔ نو). در پرستش گروهی، بدن مسیح می‌تواند به واسطهٔ بنا و تشویق متقابل، عمل کند. با حضور مرتب در پرستش، به جهان شهادت می‌دهیم که متعلق به مسیح هستیم، و نشان می‌دهیم که به خداوندی عیسای مسیح و کلیسایی که در راه آن جان خویش را داد، متعهد هستیم.

جزء سوم

سومین جزء این است که پرستش فقط ابراز احساسات به خدا یا اجرای اشکال مختلف پرستش نیست، بلکه «امری است که به عقل و اراده نیز مربوط می‌شود.» پرستش، فکر انسان را با صفات پر هیبت الاهی رو در رو می‌کند؛ پرستش، ایماندار را به توبه و اطاعت از ارادهٔ خدا

فرا می‌خواند و واکنشی است به خدای ابدی که خود را به واسطهٔ شخص مسیح و کار او آشکار کرده است. پولس رسول می‌گوید: «للهذا، ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را قربانی زندهٔ مقدس پسندیدهٔ خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است» (رومیان ۱۲: ۱). پرستش راستین همراه است با مکاشفهای روحانی، چون تا به رحمت‌های خدا در مسیح چشم ندوزیم، پرستش راستین اتفاق نمی‌افتد. هیچ‌کس نمی‌تواند عیسی را خداوند بخواند مگر آنکه روح‌القدس این امر را برای او آشکار کرده باشد. «خدا روح است و هر که او را پرستش کند، باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴: ۲۴).

ثمرات پرستش

پرستش خدا سبب می‌شود که در قلب پرستش‌کننده ثمراتی به بار بیاید. با اطمینان

فراوان می‌توانیم بگوییم که پرستش مسیح مرهمی است برای تمام دردهای انسان. در پرستش راستین، انسان‌های متکبر فرا خوانده می‌شوند تا تمام وجود خود را به خدا تسلیم، و به‌طور کامل به او تکیه کنند. هنگام پرستش، وجدان خوابیدهٔ انسان با شعلهٔ قدوسیت خدا فروزان می‌شود. با شنیدن موعظهٔ کلام خدا، فکر خمودهٔ انسان که در اثر حماقت فلسفه‌های دنیوی همچون زمینی تشنه و خشک شده است، با حقایق آسمانی سیراب می‌شود. «انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴: ۴). هنگامی که ایمانداران پرستش می‌کنند، اغلب پی می‌برند که دل مجروح‌شان از سر نو یقین یافته که پسر محبوب خدا ایشان را پذیرفته و دوست دارد. دل‌هایی که زمانی نسبت به رحمت خدا سخت شده و به روی آن بسته بود، بار دیگر به واسطهٔ فیض خدا گشوده می‌شود؛ و

دیوارهای تلخ کینه که مقدسین را از یکدیگر جدا می‌ساخت، به دست کسی که جانش را در راه آنان فدا کرد فرو می‌ریزد. پرستش طعمی است از آسمان و وسیله‌ای است که خدا مقرر کرده تا بتوانیم از حضورش لذت ببریم و نامش را جلال دهیم تا به ابد.

بخش دوم

پرستش نادرست چیست؟

«قوم من دو کار بد کرده‌اند: مرا که چشمه آب حیاتم، ترك نموده و برای خود حوض‌ها کنده‌اند، یعنی حوض‌های شکسته که آب را نگاه ندارد» (ارمیا ۲: ۱۳).

در نخستین بخش از «پرستش کتاب مقدسی»، تعریف پرستش در مسیحیت را از دیدگاه کتاب مقدس بررسی کردم. پرستش واکنش قوم خدا به شناخت او است؛ ایشان او را مطابق کلامش می‌پرستند و جلال می‌دهند. کلام خدا می‌فرماید: «تو راخدایان دیگر غیر از من نباشد» (خروج ۲۰: ۳). پرستش نادرست می‌تواند این

باشد که جلالی را که سزاوار خداست، به جای او به شخص دیگری بدهیم. پرستش نادرست می تواند به معنی پرستش خدایان اشتباه (بت پرستی) یا پرستش خدا به روش های نادرست باشد. اما شکی نیست که پرستش نادرست، لطمات فراوانی به همراه می آورد. وقتی کلیسا به شیوه ای نادرست پرستش می کند، نه فقط باعث رنجش خدا می گردد، بلکه تحقق اراده او در جهان را به تاخیر می اندازد. کلیسایی که خدا را به روش درست نمی پرستد، در شهادتش به جهان ضعیف شده، اشتیاق لازم برای نجات گمشدگان را از دست خواهد داد. چنین کلیسایی، باعث تولید ایماندارانی دگرگون شده که خصائل و رفتارشان، جلال مسیح را به جهان منعکس کند، نخواهد شد. برای همه شبانان و همه خادمان راستین خداوند حیاتی است که خواست خدا درباره چنین پرستشی را درک کنند. برای نوشتن این بخش، در کتاب مقدس بسیار جستجو کردم تا

پرستش نادرست را درک کنم و از خوانندگان نیز بخواهم تا خصوصیات این نوع پرستش را صادقانه مطالعه کنند.

آنچه که در کانون ایمان مسیحی ما قرار دارد، برقراری مجدد ارتباط ما با خدا از طریق کار رهایی بخش عیسای مسیح بر صلیب است. زندگی مسیحی بر رابطه‌ای هر روزه با خدا به واسطه قدرت روح القدس بنا شده است؛ پرستش راستین باید با مشارکت صمیمانه با مسیح همراه باشد. متأسفانه، در سراسر کتاب مقدس شاهد مواردی هستیم که طی آنها مردم خدا را به روشی نادرست پرستش کرده‌اند.

نکته مهمی که کلام خدا در مورد پرستش عنوان می‌کند، حالت قلبی ما انسان‌ها است. خداوند در اشعیا ۲۹: ۱۳ می‌فرماید: «این قوم از دهان خود به من تقرب می‌جویند و به لب‌های خویش مرا تمجید می‌نمایند، اما دل خود را از من دور کرده‌اند؛ و ترس ایشان از من، وصیتی است که از

انسان آموخته‌اند.»

خدا چه نکتهٔ دردناکی را در مورد روش پرستش قومش عنوان می‌کند! خدا اطاعتی کامل در هنگام پرستش می‌طلبد (رجوع شود به رومیان ۱۲: ۱). اطاعتی که خدا مشتاق آن است، قلب ما است، نه اعتراف ظاهری ما یا عادت‌های مختلف پرستشی. وقتی خود را برای رهبری پرستش در کلیسا آماده می‌کنید، بسیار مهم است که بدانید چگونه دل مردم را به عبادت خدا جذب کنید. و مشکل ما در عبادت و پرستش خدا، همین دل است. دل انسان می‌تواند در چند حالت نادرست قرار داشته باشد که موجب قطع ارتباط با خدا شود و پرستش را باطل کند. بیایید این حالت‌های نادرست را بررسی کنیم.

* **دلی بی‌ایمان.** «زیرا قلب این قوم سنگین شده و به گوش‌ها به سنگینی شنیده‌اند و چشمان خود را بر هم نهاده‌اند...» (متی ۱۳: ۱۵). وقتی

مسیحیان در میان قوم خدا می‌نشینند و سرود می‌خوانند و با لب‌های خود خدا را می‌ستایند، اما به وعده‌های خدا اعتماد نمی‌کنند و باور ندارند که خدا می‌تواند نیازهای‌شان را برآورده سازد، پرستش آنان برای خدا خوشایند نیست؛ بی‌اعتمادی آنها، باعث گسیختگی در مشارکت و ارتباط لازم می‌شود.

* **دلی تلخ.** «مترصد باشید مبدا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه‌مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند» (عبرانیان ۱۲: ۱۵). باز ببینید که چگونه وضعیت گناه‌آلود دل، می‌تواند باعث گسیختگی ارتباط با خدا و دیگران شود. فیض خدا نمی‌تواند از طریق شخصی جریان یابد که حاضر به بخشیدن دیگران نیست و دلش را با کینه نسبت به دیگران سخت می‌کند. خدا جان فرزند یگانه خود را در راه گناهکاران فدا کرد؛ پس چه اهانتی است به

خدا که انسان این فیض را دریافت کند اما نخواهد آن را به دیگران انتقال دهد. اگر شخص به هنگام پرستش پی ببرد که دیگران را نبخشیده است، باید جلسه را ترک کند و برود و رابطه خود را با آنان اصلاح کند و بعد بر گردد و قربانی خود را به خدا تقدیم کند (متی ۵: ۲۳-۲۴).

* **دلی حق به جانب.** «خدایا تو را شکر می‌کنم که مثل سایر مردم... نیستم... هر هفته دو مرتبه روزه می‌دارم و از آنچه پیدا می‌کنم، ده یک می‌دهم» (لوقا ۱۸: ۱۰-۱۲). اینها کلمات آن فریسی حق به جانب است که با نظر تحقیر به باج‌گیری نگاه می‌کرد که کمی دورتر، به عبادت ایستاده بود. شخصی که خود را عادل می‌پندارند، نمی‌تواند خدا را عبادت کند چرا که با تصویری نادرست به خدا نزدیک می‌شود. فکر می‌کند که کارهای نیک او در نظر خدا پسندیده است و وفاداری مذهبی‌اش، خدا را تحت تاثیر قرار

می‌دهد. غافل از اینکه این قبیل اعمال مذهبی موجب غرور هستند و این احساس را در شخص به وجود می‌آورند که کار مهمی برای خدا انجام داده است. اشعیای نبی یادآوری می‌کند که اعمال عادلۀ ما از نظر خدا، همچون کهنه‌ای کثیف است (اشعیا ۶۴: ۶).

* **دلی فریب‌کار.** «زیرا هر جا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود» (متی ۶: ۲۱). پرستش راستین همواره برخاسته از جایی است که قلب پرستنده در آن قرار دارد. روزی به یک بازرگان شهادت می‌دادم که از من جزوه‌ای خواست و به او دادم. او دکمه پیراهن خود را باز کرد و کیف پولش را که به گردنش آویزان بود نشان داد و آن جزوه را در آن، در کنار پول‌ها گذاشت. خیلی خوشحال شدم چون فهمیدم کلام خدا را درست در جایی گذاشته که قلبش آنجا است. وقتی به هنگام پرستش اعلام می‌کنیم که خدا را دوست

داریم، اما گنج واقعی مان نزد یک فرد یا یک شی است، پرستش مان نادرست است، زیرا خداوند خدای مان را با تمامی دل دوست نمی‌داریم.

* دودلی. یعقوب ۱: ۶-۸ دربارهٔ وضعیت قلبی دیگری سخن می‌گوید که پرستش را خدشه‌دار می‌کند، و آن دو دلی است. یعقوب می‌گوید که نمی‌توانیم در آن واحد، هم دوست دنیا باشیم و هم دوست خدا. دو دل کسی است که می‌کوشد هم‌زمان در دو جهت مخالف حرکت کند. چنین شخصی در پرستش دچار فلج می‌شود، چون یک پایش در دنیا است و پای دیگرش در کلیسا. پرستش او نادرست است زیرا از کلیسا برای برخی منافع شخصی استفاده می‌کند و نمی‌تواند از کشش ارزش‌های این دنیا چشم‌پوشد.

* دلی یاغی. «هدایای باطل دیگر می‌آورید... گناه را با محفل مقدس نمی‌توانم تحمل نمایم»

(اشعیا ۱: ۱۳). در این فصل آغازین از کتاب اشعیا، خدا دلشکستگی خود را از پرستش نادرست فرزندان یاغی خویش ابراز می‌دارد. وقتی کسی مرتکب گناه می‌شود و بر دیگران ستم می‌کند، و در عین حال، می‌کوشد با کارهای مذهبی‌اش نظر خدا را جلب کند، او را مورد اهانت قرار می‌دهد. وظیفهٔ نبی این است که قوم خدا را به سوی زندگی مقدس فرا بخواند و ایشان را تعلیم دهد که راه‌های یاغی‌گرانه و گناه‌آلود خود را کنار بگذارند.

اکنون که این مطالب را در خصوص وضعیت‌های مختلف دل انسان مطالعه کردید - وضعیت‌هایی که سبب می‌شود مسیحیان فقط با لب‌های خود عبادت کنند و نه با تمام دل خویش - ممکن است این سوال برای‌تان پیش بیاید که آیا کسی در جلسات عبادتی روز یکشنبه هست که با چنین حالتی عمیق خدا را بپرستد؟! مسئله اینجا است که باید توجه داشته باشیم که ما اکثرا با

مشکلات خود در جلسات عبادت کلیسایی حاضر می‌شویم؛ اما اگر شما خادمی هشیار باشید، این امر را در نظر خواهید داشت و وقتی را در جلسه، به اعتراف و تجدید رابطه با خدا اختصاص خواهید داد تا ایمانداران با دلی پر از ستایش و شکرگزاری در جلسه حاضر شوند. اگر چنین وقتی را برای اعتراف و طلب آمرزش گناهان خود اختصاص ندهید، جلساتتان در خطر سقوط در گناه عبادت سطحی قرار خواهد گرفت که باعث اندوه خدا خواهد شد، چرا که او مشتاق است قومش او را با تمام دل عبادت کنند.

بخش سوم

محک پرستش راستین

«خدا روح است و هر که او را پرستش کند، می‌باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴: ۲۴).

انسان فطرتاً موجودی مذهبی است، اما به‌طور طبیعی خدای زنده را نمی‌پرستد؛ پرستش واقعی زمانی حاصل می‌شود که خدا خودش مستقیماً در روح او کار کند. انسان اگر به حال خود رها شود، گرایش دارد که خدایان دروغین و بت‌ها را بپرستد. در بخش پیشین این مجموعه، به تمایل بشر به اشکال گوناگون پرستش‌های نادرست اشاره کردم. در این بخش، می‌خواهیم توجه خود را به محک‌های پرستش راستین معطوف کنیم.

برای این منظور، تعلیمی را که خداوند عیسیای مسیح در طی سخنانش به زن سامری ارائه داد بررسی خواهیم کرد؛ مسیح در این تعالیم، نکات عمیقی در خصوص ماهیت پرستش راستین خدا به دست داده است.

سخنان عیسی خطاب به زن سامری بر سر چاه، در مضمون و چارچوبی بسیار خاص بیان شده‌اند. هر چقدر که عیسی انگشت بر زندگی فاسد او می‌فشرد، او بیشتر ظاهر مذهبی به خود می‌گرفت؛ تا اینکه سرانجام موضوع پرستش را پیش کشید. همانطور که مشاهده می‌کنیم، این زن می‌کوشید توجه عیسی به زندگی خود را منحرف کند و بحث پرستش را پیش بکشد. این امر ما را متوجه محکی بنیادین برای پرستش راستین می‌کند؛ و این محک این است که آیا قادریم در پیشگاه مقدس مسیح بایستیم و او را با اطمینان به اینکه با قربانی او بر صلیب تطهیر شده‌ایم، پرستش کنیم؟ سپس متوجه می‌شویم

که این زن می‌کوشید مسائل ثانوی را تبدیل به مسائل اولیه و مهم کند. می‌کوشید به جای بحث درباره کارکردهای اساسی پرستش، درباره اشکال پرستش بحث کند. می‌خواست در این باره بحث کند که پرستش باید در چه مکانی صورت گیرد، و از این راه، اعتقاد یهودیان را زیر سوال ببرد که عبادت باید در اورشلیم انجام شود. این بحث باید به ما هشدار دهد که نشانه‌های پرستش راستین و واقعی، محل یا شکل آن نیست. این سوالات در مورد اشکالی هستند که به واسطه آنها، پرستش مجال بروز می‌یابد، اما توجهی به ذات و ماهیت پرستش نمی‌شود. پس لازم است به تعریف و توصیفی که خود خداوند ما در خصوص پرستش به دست داد، توجه کنیم.

تعلیم عیسی ساده است، اما عمیق. «اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین

پرستندگانی است» (یوحنا ۴: ۲۳، هزاره نو). آیا تعریفی از این روشن تر امکان دارد؟ خدا جویای پرستندگانی است که او را در روح و در راستی می پرستند. این حقیقت محک پرستش راستین و قابل قبول را به دست می دهد.

پرستش راستین باید در قدرت روح القدس انجام شود.

پرستش خدا در روح بدین معناست که پرستندگان باید در روح القدس باشند. «زیرا ختنه شدگان واقعی ماییم که در روح خدا عبادت می کنیم، و فخرمان در مسیح عیسی است و به افتخارات انسانی خود اتکا نداریم» (فیلیپیان ۳: ۳، هزاره نو). پرستش راستین را آنانی انجام می دهند که از روح القدس تولد نو یافته اند و مطیع خدمت او شده اند، زیرا او است که حقیقت را آشکار می سازد (یوحنا ۱۶: ۱۳) و عیسی مسیح

را جلال می‌دهد. هیچ واعظی و هیچ کلیسایی قادر نیست حضور روح القدس را تضمین کند؛ اگر چنین چیزی امکان پذیر بود، کلیسا درگیر نوعی شعبده‌بازی می‌گردید و انسان قادر می‌شد از این قدرت برای جلال و افتخار خود استفاده کند. اما چنین نیست، بلکه پرستندگان راستین از روح القدس خواستار پاکی و تقدس می‌شوند و از او می‌طلبند که ایشان را به حضور مسیح بیاورد. این امر مستلزم آن است که رهبران پرستش در جلسات کلیسایی، وقت زیادی صرف دعا کنند و از روح القدس بخواهند که در هر جلسه حاضر باشد. پرستش بدون روح القدس عملی است انسانی و به دور از برکت الاهی، و چیزی جز اجرای آیینی مذهبی برای کسب عدالت شخصی نیست. اما پرستش راستین کاری است که خدا در میان قومش انجام می‌دهد.

پرستش راستین باید درون روح انسان انجام شود.

وقتی عیسی می‌فرماید که پدر جوئیای کسانی است که او را در روح پرستند، به بُعد دیگری از پرستش نیز اشاره می‌کند که مربوط می‌شود به شفافیت و صفای کامل روح انسان و تسلیم او به مسیح. اما متأسفانه بیشتر پرستش‌ها در حوزه واکنشی طبیعی به خدا باقی می‌ماند. بدین معنی که ممکن است تحت تاثیر موسیقی پر شور و پر هیاهوی کلیسا یا واعظان کاریزماتیک که در فن تحریک و تهییج عواطف انسان مهارت کسب کرده‌اند، به هیجان بیاییم؛ اما این نوع پرستش، آن پرستش راستین در روح نیست. یا ممکن است از لحاظ عقلانی در اثر موعظه‌های واعظان برجسته تحریک شویم یا تحت تاثیر قدرت متقاعدکننده کلام آنها قرار بگیریم، اما چنین حالاتی در نهایت، چیزی جز واکنشی

عقلانی پدید نمی‌آورد. یا باز ممکن است از نظر اخلاقی ترغیب شویم تا کارهای عام‌المنفعه و خیرخواهانه انجام دهیم، اما این نیز در بهترین حالت، چیزی در سطح اخلاقیات باقی خواهد ماند. اما پرستش در روح زمانی تحقق می‌یابد که تمامی وجود شخص به واسطهٔ مسیح، با فروتنی، مطیع خدای قادر مطلق گردد و شخص طوری به محبت او توکل کند که در پیشگاه او کاملاً عریان شود بدون آنکه در اثر قدوسیت او نابود گردد. در چنین شرایطی است که احساسات و افکار ما می‌تواند تحت کنترل روح القدس قرار بگیرد. به این ترتیب، پرستش در روح به این معنا است که خدا تمامیت وجود انسان را - یعنی فکر و احساسات و بدن او را - تحت کنترل روح القدس قرار دهد.

پرستش در راستی یعنی پرستش مسیح که راه و راستی و حیات است.

از تعالیم مسیح روشن است که او خود را «راستی» معرفی می‌کند. لذا اگر کسی می‌خواهد خدا را به درستی عبادت کند، باید مسیح را بشناسد و او را در مرکز پرستش خود قرار دهد، گرچه مسیح اکنون در آسمان است. «مستحق است بره ذبح‌شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد» (مکاشفه ۵: ۱۲). از آنجا که مسیح باید در مرکز پرستش و عبادت ما قرار داشته باشد، این امر را باید در تمام جوانب عبادت خود منعکس کنیم. به همین دلیل است که ما مسیحیان در روز یکشنبه عبادت می‌کنیم تا قیام او را به یاد بیاوریم؛ به نام او دعا می‌کنیم چرا که در اثر فداکاری او بر صلیب است که راه آسمان به روی ما گشوده شده است، و در موعظه‌های مان اعلام می‌کنیم که مسیح مصلوب

شد و قیام کرد و باز می‌گردد و مردم را به توبه و اطاعت دعوت می‌کنیم. از طریق آیین عشای ربانی نیز به طور خاص مرگ و قیام پر جلال او را به یاد می‌آوریم.

پرستش در راستی مستلزم مواجه شدن با خویشتن است.

پرستش در راستی همچنین به معنی رویارو شدن با زندگی خودمان در پرتو راستی اوست. پرستش در راستی مستلزم این است که با حقیقت وجود خودمان مواجه شویم و بکوشیم تا خود را با مکاشفه‌ای که مسیح در کلامش بخشیده، انطباق بدهیم. اخیراً شخصی از من پرسید: «وقتی کسی نیست که تو را ببیند، چه نوع شخصی هستی؟» او می‌خواست بداند که من تا چه میزان درک کرده‌ام که زندگی‌ام باید زیر نگاه خدا باشد یا زیر نگاه مردم. پرستش راستین یعنی اینکه همه

چیز را زیر نگاه مقدس خدا قرار دهیم. این بدان معنا است که در عبادت، باید از آن اموری در زندگی‌ام که خدا را خشنود نمی‌کنند آگاه باشم و از او طلب آمرزش کنم. در پرستش و عبادت گروهی، این بدان معنا است که باید مراقب باشیم تا مبادا روش‌های غیر کتاب مقدسی وارد عبادت ما شوند. برای مثال، باید مراقب باشیم که تقدیم هدایا به خدا برای کسب آمرزش، جای توبه قلبی را نگیرد؛ باید مفهوم عمیق دهیک را تعلیم دهیم تا ایمانداران فکر نکنند که دهیک آنها را در حضور خدا عادل می‌سازد. باید از هر عملی که موجب جلال نوازندگان یا واعظ می‌شود دوری کنیم. در عبادت و پرستش خدا، دعوت می‌شویم تا با وضعیت روحانی واقعی خود مواجه شویم و از خدا رحمت بیابیم و زندگی خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنیم.

بخش چهارم

ثمره پرستش راستین

«همه ما چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم» (دوم قرن تیان ۳: ۱۸).

ثمره: تبدیل و دگرگونی

ثمره پرستش کتاب مقدسی، تغییر و تبدیل خصائل و رفتار پرستندگان است. زندگی شخصیت‌های کتاب مقدس را مطالعه کنید و خواهید دید که چه رابطه‌ای میان پرستش و زندگی ایشان دیده می‌شود. پرستش ابراهیم از او شخصی با ارزش‌های روحانی پدید آورد

که در تناقض کامل با لوط قرار داشت که در پی ثروت دنیوی بود. تجربه عبادتی موسی در بوتۀ مشتعل، او را از فردی مردد به قهرمان بزرگ ایمان تبدیل کرد. داوود حقایق ابدی در خصوص نوع شخصیتی که خدا مد نظر داشت، آموخت (ر. ش. مزمور ۲۵: ۹). علی‌رغم تمام این شواهد در کتاب مقدس در زمینه تحولی که پرستش راستین پدید می‌آورد، جای تعجب است که مسیحیان اغلب این واقعیت را از یاد می‌برند. اغلب اوقات مشاهده می‌کنیم که جلسات پرستشی ما حول محور درخواست‌های ما از خدا می‌چرخد. گویی تشویق می‌شویم که پرستش را وسیله‌ای برای فرار از واقعیت‌های دشوار زندگی بپنداریم و توجه نداشته باشیم که چگونه خدا در میان نسلی سقوط کرده کار می‌کند تا تغییری در خصائل انسان به وجود آورد. هدف من در این مقاله این است که نشان دهم پرستش واقعی منجر به تحولی چشمگیر در طبیعت انسان

می‌گردد و این امر خود موجب شفای روابط شده، خدمت خداپسندانه را سبب می‌گردد. در قلب پرستش، محبت خدا قرار دارد که به‌طور کامل در صلیب نمودار شد (رومیان ۵: ۸). می‌دانیم که پیش از آنکه با خون مسیح فدیة داده شویم، خدا را دوست نداشتیم و در واقع دشمن او بودیم (رومیان ۵: ۱۰). وقتی به واسطه روح‌القدس تولد تازه یافتیم و خدا ایمان به مسیح را به ما بخشید، نخستین نشانه آن، محبت به مسیح بود. شخص نوایمان معمولاً مسیح را برای آنچه که به او داده است دوست می‌دارد؛ به عبارت دیگر، هدیه را بیش از هدیه‌دهنده محبت می‌کند. در طول زمان بسیاری از مسیحیان رشد می‌کنند و در می‌یابند که خدا را باید برای وجود خودش پرستید. خدا شایسته پرستش است! اما پیش از آنکه این تحول عمیق بتواند صورت بگیرد، ایماندار باید درک کند که محبت واقعی به خدا، یعنی دوست داشتن او برای

وجود خودش (ر. ش. دوم قرن‌تین ۵: ۱۴-۱۵).
لذا هدف پرستش باید این باشد که چنان اسیر
محبت خدا در مسیح باشیم که تمام وجود خود
را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنیم.

قلب پرستش: تبدیل شدن

پولس در رومیان ۱۲: ۱-۲ به قلب پرستش
تحول بخش می‌رود. در این آیات، او «تبدیل
شدن» را با «همشکل شدن» در تقابل قرار
می‌دهد. او می‌گوید که قدرت جهان در این
است که ما را همشکل خود سازد و ظاهر ما
را شکل بخشد، زیرا جهان قدرت این را ندارد
که خصائل الهی را در ما پدید آورد. واقعیت
غم‌انگیز این است که در بسیاری از کلیساهای
یگانه روشی که شبان‌آموخته تا به کار ببرد، این
است که پرستش را مطابق روش‌های این جهان
انجام دهد و نه اینکه اعضا را به سمت تحول
و تغییری درونی هدایت کند. پولس می‌فرماید

که «چنین اشخاص، رسولان کذب (دروغین)... هستند» (دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۱۳-۱۵). در نقطهٔ مقابل آن، می‌بینیم که پولس در رومیان ۱۲ به مسیحیان تعلیم می‌دهد که اگر به رحمت خدا واکنش مثبت نشان دهند و زندگی خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنند، خدا خشنود می‌شود و ایشان قادر خواهند شد خدا را به‌گونه‌ای راستین و تکریم‌آمیز پرستند. اکنون به اجزای تشکیل‌دهندهٔ پرستش دگرگون‌کننده خواهیم پرداخت.

تقدیم بدن خود چون قربانی

بسیار روشن است که پرستش مسیحی هرگز نباید امری مکانیکی و بی‌تفکر باشد. بر عکس، پولس به پرستندگان یادآوری می‌کند که باید رحمت‌های خدا را مد نظر داشته باشند و با تقدیم قربانی به خدا، به این رحمت‌ها واکنش نشان دهند؛ این قربانی همانا بدن ما است.

پولس با این کلمات می‌خواهد ما قاطعانه درک کنیم که باید تمام وجود خود را بیاوریم و آن را به خدا تقدیم کنیم. او بدن ما را به معبد خدا تشبیه می‌کند؛ معبدی که باید آکنده از پرستش راستین شود (ر. ش. اول قرن‌تیاں ۶: ۱۹-۲۰). به هنگام پرستش، دعوت می‌شویم که زندگی خود را با قدوسیت مسیح همسو سازیم و اگر جزئی از وجود ما ابزاری در دست ناراستی باشد، باید که توبه کنیم و با تسلیم کامل به خدا، خود را همچون قربانی به او تقدیم نماییم. پرستشی که ایمانداران را به چنین توبه‌ای سوق ندهد هرگز موجب دگرگونی در خصائل و رفتار نخواهد شد.

تقدیم فکر خود همچون قربانی

همچنین در این بخش حیاتی از کلام خدا، روشن است که پرستندگان دعوت شده‌اند تا عقل و ذهن خود را به خدا تقدیم کنند. می‌فرماید: «بلکه به تازگی ذهن خود، صورت

خود را تبدیل دهید» (رومیان ۱۲: ۲). تعلیم پولس با تعلیم خداوند ما هماهنگ است که می‌فرماید: «خداوند خدای خود را به... تمام فکر خود محبت نما» (لوقا ۱۰: ۲۷). به همین سبب است که هر جلسهٔ پرستشی باید از تعلیم دقیق کتاب مقدس برخوردار باشد و پرستندگان نیز آگاه باشند که خدا چه نوع واکنشی را از ما انتظار دارد. باید که تعالیم کتاب مقدس کلام خدا را دوست بداریم زیرا آنها ابزاری به دست می‌دهند تا حقیقت را تشخیص دهیم و در عدالت تربیت شویم (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶). بدبختانه، در بسیاری از جلسات پرستشی چنین به نظر می‌رسد که واعظ می‌پندارد دگرگونی و تحول از طریق تحریک احساسات و سر و صدای بلند پدید می‌آید. کلیساهای ما شدیداً نیازمند شبانانی هستند که فراگیرندگان کلام خدا باشند و بدانند چگونه باید حقایق آن را به روشنی به اعضای کلیسای‌شان عرضه دارند.

تقدیم اراده همچون قربانی

و بالاخره، نباید نادیده بگیریم که دعوت شده‌ایم تا اراده خود را نیز تسلیم خدا کنیم. با چنین پرستشی است که می‌توانیم مطابق اراده نیکو و پسندیده و کامل خدا زندگی کنیم. پرستش راستین به معنی اطاعت از اراده خدای پدر است و تسلیم به حاکمیت او در هر جنبه از زندگی مان. پرستش راستین را در باغ جتسیمانی مشاهده می‌کنیم؛ آنگاه که عیسی این کلمات جگرسوز را بیان فرمود: «ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو» (متی ۲۶: ۳۹). به هنگام پرستش، میان خواست‌های من و اراده خدا تنشی پدیدار می‌گردد. هنگامی که پرستندگان راستین تسلیم اراده او می‌شوند، عطر خوشبوی مسیح به آسمان بر می‌خیزد و ایشان در می‌یابند که سبب خشنودی خدا شده‌اند و می‌توانند گامی فراتر به سوی شباهت به منجی محبوب

خود بردارند. ثمرهٔ پرستش راستین در معجزهٔ
دگرگونی گناهکاران مشاهده می‌شود که زمانی
دشمن خدا بودند، ولی اکنون هر روزه خود را
همچون قربانی زنده به خدای قادر مطلق تقدیم
می‌کنند.

بخش پنجم

پرستش در جلسات کلیسایی

اهمیت پرستش در جلسات

«خداوند را با من تکبیر نمایید. نام او را با یکدیگر برافرازیم» (مزمور ۳۴: ۳).

پرستش گروهی

پرستش خدای متعال امری است هم شخصی و هم گروهی. در این مجموعه از مقالات که درباره پرستش کتاب مقدسی است، تا اینجا بیشتر بر جنبه شخصی موضوع متمرکز شدیم و کوشیدیم تعریف روشنی از پرستش ارائه دهیم و نیز نگاهی نزدیک به پرستش نادرست داشته باشیم. همچنین به ثمره خاص پرستش راستین توجه

کردیم. اما پرستش کاری است که ایمانداران با هم به صورت یک بدن انجام می دهند.

در اعمال ۲: ۴۲-۴۷ روش مشخصی برای پرستش گروهی مشاهده می کنیم. مسیحیان اولیه هر روز در صحن معبد و نیز در خانه ها گرد می آمدند تا خود را به تعلیم رسولان و پرستش خدا و دعا و شکستن نان و مشارکت وقف کنند. ما باید چقدر مشتاق این نوع پرستش باشیم که در دل آنانی که شاهد بودند ترس و احترام بر می انگیخت و جلال خدا را به همگان نشان می داد و حضور پرشکوه او را محسوس می ساخت. مقصود این آیات نیست که روشی سخت گیرانه و شریعت مدارانه برای پرستش به دست دهد بلکه تا عملکردهای کتاب مقدسی را که باید در هر جلسه پرستشی مسیحی یافت شود، نشان دهد. در این مقاله، می خواهیم عناصر یا بخش های بنیادینی را که باید در جلسات پرستش مسیحی یافت شود مرور کنیم به این امید که هر خادمی

توجه دقیق‌تری به برنامه‌ریزی و آمادگی برای پرستش قوم خدا مبذول دارد.

ارتباط میان موعظه و پرستش

پیش از بحث دربارهٔ عناصر و بخش‌های خاص پرستش عمومی، باید به چند اصل مربوط به پرستش توجه داشته باشیم. اغلب توجه اصلی بر موعظهٔ کلام خدا متمرکز می‌شود. نتیجه آن می‌شود که پرستش گروهی تبدیل می‌گردد به چیزی در حد یک رشته سرود که نه آغاز روشنی دارند و نه موضوعی اصلی و حاکم بر آنها. بسیار مفید خواهد بود که وقتی واعظ موضوع موعظه خود را در اوائل هفته انتخاب می‌کند، آن را با رهبر پرستش در میان بگذارد تا او بتواند سرودها و قرائت‌هایی را که مناسب پیغام او هستند انتخاب کند. به علاوه، پرستش باید طوری برنامه‌ریزی شود که میان رهبر پرستش و عبادت‌کنندگان ارتباطی روحانی برقرار گردد. پرستش را نباید

همچون اجرای برنامه‌ای تلقی کرد که در آن یک یا دو رهبر تمام کار پرستش را انجام می‌دهند. باید فرصت‌هایی طبیعی به وجود آید تا جماعت نیز بتوانند واکنش نشان دهند.

عناصر یا بخش‌های جلسات

اکنون به عناصر یا بخش‌های خاص جلسات پرستشی توجه می‌کنیم.

آمادگی برای پرستش

آنانی که دست‌اندر کار رهبری پرستش هستند باید پیش از وقت آغاز جلسه در محل حاضر باشند تا مطمئن شوند که همهٔ امور مرتب است. سپس باید وقتی را اختصاص دهند تا با هم دعا کنند که خدا ایشان را در مقام رهبران پرستش و جماعت را با قدرت و حضور روح‌القدس مسح کند. وقتی افراد به تدریج وارد محل می‌شوند، باید تشویق شوند که با احترام داخل شوند و

در تاملی آرام، انتظار خداوند را بکشند. این امر فقط زمانی میسر است که رهبران خودشان به خوبی آماده شده باشند و در این زمینه، نمونه‌ای باشند برای جماعت. توصیه می‌شود که سلام و احوال‌پرسی خارج از محل پرستش صورت گیرد تا گفتگوها به حداقل برسد.

دعوت به پرستش

از آنجا که قوم خدا با افکار متفرقه وارد کلیسا می‌شوند، مهم است که جذب روح پرستش شوند تا بتوانند فکر خود را بر خداوند متمرکز سازند. هدف از حضور در جلسهٔ پرستش این نیست که افراد با دوستان خود ارتباط اجتماعی برقرار کنند یا موسیقی بشنوند و شاد شوند؛ هدف این است که گرد هم آیند تا خدای متعال را تکریم کنند و جلال او را اعلام نمایند و او را بپرستند. در کتاب مقدس، بخش‌های زیبای متعددی برای دعوت به پرستش هست. یکی از بخش‌های

محبوب من این است: «بیاید خداوند را بسراییم
و صخرهٔ نجات خود را آواز شادمانی دهیم. به
حضور او با حمد نزدیک بشویم و با مزامیر او را
آواز شادمانی دهیم» (مزمور ۹۵: ۱-۳). از این
بخش‌ها نیز می‌توانید استفاده کنید: مزمور ۳۴:
۱-۳، ۸۴: ۱-۴، ۹۲: ۱-۲، ۹۶: ۱-۴، ۱۰۰، ۱۰۳:
۱-۵، ۱۴۵: ۱-۴.

سرودهای پرستشی

پس از دعوت به پرستش، بسیار مهم است که یک
یا چند سرود ستایشی سروده شود (کولسیان ۳:
۱۶). این سرودها باید خدا را جلال دهند و به
قوم خدا کمک کنند تا او را در روح و راستی
پرستند.

دعا برای حضور خدا

یکی از تجربیات تلخ من این بوده که در جلساتی
شرکت می‌کنم که در آغاز آن، هیچ دعای

روشنی برای طلبیدن حضور خدا و قدرت او بر جماعت نمی‌شود. این دعا فقط محدود به «ما را برکت بده» نمی‌شود، بلکه باید دعایی باشد که مشتاقانه طالب حضور خدا در میان جماعت شود تا ایشان بتوانند او را جلال دهند و تکریم نمایند. دعای ذیل نمونه‌ای است از این دست دعاها:

«ای خدای متعال که جلالت فوق آسمان‌ها است، ستایش بر نام تو باد. تو از سر رحمت عظیمت ما را در کلیسایت گرد آورده‌ای. پرستش دل ما را بپذیر و عطا فرما تا نام تو را تکریم نماییم، هم در دل خود و هم در ظاهر، تا نام تو به واسطهٔ پرستش لب‌های ما و عبادت دل ما جلال یابد. به نام عیسای مسیح، خداوند ما. آمین.»

اعتراف به گناه

متأسفانه در بخش پرستشی بسیاری از جلسات،

هیچ وقتی به تامل شخصی اختصاص داده نمی‌شود تا خدا قلب افراد را تفتیش کند (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). نمونه اشعیا در معبد را فراموش نکنیم (اشعیا ۶) و به یاد داشته باشیم که او به هنگام پرستش خدا، قدوسیت او را مشاهده کرد و این امر سبب شد که او خود را بشناسد و تصدیق کند که گناهکاری بیش نیست. پرستشی که متمرکز بر مسیح در مقام پادشاه است، منجر به توبه می‌گردد؛ توبه‌ای که بدون آن پرستش واقعی مطلقا تحقق نمی‌یابد. «اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتیم، خداوند مرا نمی‌شنید» (مزمور ۶۶: ۱۸). بخش‌های مناسب ذیل را می‌توان در پرستش‌های کلیسایی مورد استفاده قرار داد: اول یوحنا ۱: ۹؛ مزمور ۳۲: ۱-۵، ۸۵: ۱-۲، ۸۶: ۴-۵، ۱۰۳: ۱-۳، ۱۳۰: ۳-۴.

اقرار اعتقادنامه

اقرار اعتقادنامهٔ رسولان هر چند هفته یکبار، و خصوصا به هنگام اجرای آیین عشای ربانی، می‌تواند برای جماعت بسیار مفید باشد زیرا اصول اساسی ایمان را به آنها یادآوری می‌کند.

دعای شبانی

در طول جلسه باید وقتی اختصاص داده شود تا شبان برای نیازهای کلیسایش دعا کند. این امر زمانی موثرتر خواهد بود که شبان جماعت خود را خوب بشناسد تا بتواند برای بیماران و مشکلات گله‌اش به‌طور خاص دعا کند.

قرائت و موعظه

برای جماعت باید روشن باشد که شبان از کلام خدا موعظه می‌کند. بخش مورد نظر از کلام باید بلافاصله پیش از موعظه قرائت شود. اما پیش از این قرائت، باید دعا شود تا روح‌القدس ذهن

واعظ را منور سازد و او را مسح کند.

برکت

جلسه باید با برکتی که شبان می دهد پایان یابد. این دعا می تواند چنین باشد: «سلامتی خدا که فوق از درک است، دل ها و ذهن های شما را در معرفت و محبت خدا، و پسرش خداوند ما عیسای مسیح نگاه دارد؛ و برکت خدای قادر مطلق، پدر، پسر و روح القدس بر شما باشد و همواره با شما بماند. آمین.»

بخش ششم

شام خداوند

«همچنین نان را برگرفته، شکر کرد و پاره نمود و به آنها داد و گفت: «این است بدن که برای شما داده می‌شود؛ این را به یاد من به جا آرید» (لوقا ۲۲: ۱۹، نقل قول‌ها از ترجمه هزاره نو هستند).

بخشی مهم از پرستش

بخش بسیار مهمی از پرستش مسیحی، اجرای درست آیین‌های مقدس است. گرچه فرقه‌های مختلف در این خصوص که در طول اجرای آیین‌های عشاير بانی چه اتفاقی رخ می‌دهد ادراکات متفاوتی دارند، اما همه مسیحیان اعتقاد دارند

که خود عیسی این آیین را بنیاد نهاد و از کلیسا می‌خواهد که آن را وفادارانه به‌جا آورند. عشای ربانی باید بخشی مرتب از پرستش باشد و آنانی که مسئول برگزاری آن هستند، باید بسیار مراقب باشند تا آن را مطابق حکم کتاب مقدس به‌جا بیاورند. بسیار اساسی است که همهٔ شبانان با هشدارهای پولس رسول به کلیسای قرنتس در خصوص کاربرد نادرست عشایر بانی به خوبی آشنا باشد (اول قرنتیان ۱۱: ۱۷-۳۴). در اینجا پولس رهبران کلیسا را سرزنش می‌کند که شام خداوند را حفظ نمی‌کنند و به مردم تعلیم نمی‌دهند که چطور به طرزی شایسته به میز خداوند نزدیک شوند. در این مقاله، خواهیم کوشید تعلیم کتاب مقدس دربارهٔ شام خداوند و نحوهٔ برگزاری درست آن را بررسی کنیم.

وسیله‌ای برای انتقال فیض

عشای ربانی یک آیین مقدس است و مقرر شده تا وسیله‌ای باشد تا قوم خدا حضور و فیض او را تجربه کنند. البته وسایل دیگری نیز برای انتقال فیض وجود دارد، نظیر کلام خدا و دعا، اما خداوند عیسی، عشای ربانی را بنیاد نهاد تا روشی قابل رویت و ملموس باشد برای به یاد آوردن مرگ و کفاره او. عشای ربانی دارای نشانه‌هایی بیرونی و قابل رویت، یعنی نان و شراب است. اما اینها به تنهایی کافی نیستند مگر آنکه این آیین با موعظه کلام و کار درونی روح القدس همراه باشد. فقط در این صورت است که این آیین مقدس ثمره توبه و مشارکت با مسیح را در زندگی شرکت‌کننده پدید می‌آورد. آنانی که این آیین را برگزار می‌کنند، باید به جماعت خود کمک کنند تا درک کنند که چه اموری را به یاد آورند. این امور به شرح زیر است:

۱- شام خداوند یادآور تاریخیت مرگ نیابتی خداوند بر صلیب است. «زیرا هرگاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که باز آید» (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶).

۲- شام خداوند یادآور این واقعیت است که وقتی ایماندار با ایمان نزد مسیح می‌آید، برای حیاتی جدید می‌میرد و قیام می‌کند؛ به این ترتیب او به زندگی مبتنی بر اطاعت فراخوانده می‌شود. «پس با تعمیم یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا... ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم» (رومیان ۶: ۴).

۳- شام خداوند فرصتی است تا ایمانداران به گناهانی که در حق خدا و دیگران انجام داده‌اند اعتراف کرده، از راه توبه، از گناهان خود بازگشت کنند و بار دیگر با رابطه‌ای جدید نزد مسیح

آیند. «پس توبه کنید و به سوی خدا باز گردید تا گناهان تان پاک شود و ایام استراحت از حضور خداوند برای تان فرا رسد» (اعمال ۳: ۱۹). در شام خداوند، فرا خوانده می شویم تا در وعده های او شادی کنیم و حضور او را تجربه نماییم زیرا می توانیم بار دیگر فیض حیرت انگیز او و محبتی را که نسبت به هر یک از ما دارد بچشیم.

چه کسانی می توانند در عشای ربانی شرکت کنند؟

وظیفه مهم کسی که عشای ربانی را برگزار می کند این است که روشن سازد چه کسانی می توانند در آن شرکت جویند.

نخست، امتیاز نزدیک شدن به شام خداوند انحصارا از آن ایمانداران است. بسیار مفید خواهد بود که در جماعت خود این خط مشی را تعیین کنید که شخص پیش از آنکه مجاز به شراکت در شکستن نان گردد، باید ایمانداری تعمیم یافته

باشد. من اغلب این نکته را برای بی‌ایمانان تشریح می‌کنم و می‌گویم که آنانی که به این آیین نزدیک می‌شوند، باید ایمان داشته باشند که عیسی پسر خدا و یگانه منجی بشریت است و باید علنا اعلام دارند که از آن اویند.

دوم، کسانی که مایل به شرکت در شام خداوند هستند باید از شبان خود تعلیم کتاب مقدس را در این زمینه دریافت دارند، و خود را تفتیش کرده، به گناهان خود اعتراف کنند و از آنها توبه نمایند.

سوم، کودکان نباید مجاز به شرکت در شام خداوند باشند مگر آنکه والدین‌شان ایماندار باشند و ایشان فرزندان خود را به سوی مسیح هدایت کرده و آنان را کاملا آماده کرده باشند. اگر کودکان از والدین خود آمادگی لازم را دریافت کرده باشند، باید در طول پرستش در کنار والدین‌شان بنشینند. این شدیداً باعث ننگ خداوند است که آیین عشای ربانی با بی‌انضباطی

اجرا شود، طوری که بی‌ایمانان و کودکان عناصر شام خداوند را بدون درک واقعی معنای آن دریافت کنند.

چگونه کلیسا را برای شام خداوند آماده کنیم؟

پری استون در کتاب کوچک خود به نام «خوراکی که شفا می‌بخشد» خلاصه‌وار نحوه آمادگی برای شرکت در شام خداوند بیان داشته است. وی گام‌هایی را ذکر می‌کند که باید پیش از شرکت در این آیین مقدس برداشته شود. این گام‌ها به شرح زیر است:

به درون خود نگاه کنیم
از خدا بخواهید که دل‌تان را تفتیش کند. پولس چنین هشدار می‌دهد: «هرکس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید» (اول قرنتیان ۱۱: ۲۸). بخش مهمی از تفتیش

خویشتن این است که از خدا بخواهیم او نیز دل ما را تفتیش کند (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). به یاد دارم که در ایران وقتی برنج می خریدیم، می بایست آن را روی ظرفی پخش می کردیم و آشغال‌ها را یک به یک بیرون می کشیدیم. چه فکر زیبایی است که ما نیز سفره دل خود را در حضور خدای روح القدس پهن کنیم تا هر ناپاکی را که مانع پرستش ما در روح و راستی می شود، بر دارد.

به بیرون از خود نگاه کنیم

لحظه‌ای مکث کنید تا به روابط خود با دیگران بنگرید. از خدا بخواهید نشان دهد که آیا نیاز دارید با کسی مصالحه کنید یا نه (متی ۵: ۲۳-۲۴). شاید لازم باشد پیش از شرکت در شام خداوند کسی را ببخشید یا از کسی عذرخواهی کنید. اخیراً در جلسه‌ای نشسته بودم و در سکوت دل خود را برای برگزاری آیین عشا

ر بانی آماده می‌کردم؛ خانمی آمد و به خاطر تلخی‌ای که در دلش نسبت به من داشت، از من عذرخواهی کرد. من متوجه نشده بودم که او را آزرده بودم. هر دو با چشمانی اشک‌آلود در برابر میز شام خداوند با یکدیگر مصالحه کردیم. یکی از برکات شام خداوند این است که فرصتی می‌دهد تا با یکدیگر مصالحه کنیم.

به بالا نگاه کنیم

وقتی دل خود را آماده می‌سازیم، مهم است که به آسمان نگاه کنیم - به آنجا که مسیح نشسته است. در عبرانیان ۱: ۳ چنین می‌خوانیم: «او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست.» فدیۀ ما تکمیل شده و در مسیح عیسی هیچ محکومیتی برای ما وجود ندارد. وقتی در نان و شراب شراکت می‌جوئیم، چه زیبا است که در فدیۀ کامل شدۀ او بیساییم.

به جلو نگاه کنیم

در برابر میز عشای ربانی، به آینده خود در مسیح می‌نگریم. پطرس رسول چنین می‌فرماید: «سپاس بر خدا و پدر خداوند ما عیسای مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به واسطه رستاخیز عیسای مسیح از مردگان، تولدی تازه بخشید برای امیدی زنده» (اول پطرس ۱: ۳). امید ما به حیات جاویدان است، و نیز به تقدیس ما، و به این یقین که رنج‌های زمان حاضر همگی برای جلال او به کار خواهد رفت. امید ما به بازگشت خداوند است زیرا او فرمود: «تا آمدن پادشاهی خدا، دیگر از محصول مو نخواهیم نوشید» (لوقا ۲۲: ۱۸).

چگونه شام خداوند را برگزار کنیم؟

عشای ربانی باید در چارچوب جلسه عمومی پرستشی برگزار شود؛ جایی که پرستش و موعظه کلام صورت گرفته باشد. در اینجا ترتیب

زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

- دعوت به شام خداوند

- قرائت: اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۳-۲۶

- دعا برای تقدیس نان و شراب

- تقسیم نان و شراب

- دعای شکرگزاری

امید است که این بخش باعث روشن‌تر شدن
تعلیم کتاب مقدس در مورد این امر مقدس شده
باشد.

بخش هفتم

مراسم تدفین مسیحی

«اما ای برادران نمی‌خواهم شما از حالت خوابیدگان بی‌خبر باشید که مبادا مثل دیگران که امید ندارند، محزون شوید» (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳).

فرستی برای اعلام امید

مرگ فرد مسیحی یک پیروزی است، نه شکست. به همین جهت، مسیحیان باید در بحبوحه عزای خود، خدا را بپرستند تا شهادتی باشد در خصوص امیدشان به قیامت. پولس می‌فرماید: «ای موت نیش تو کجا است و ای گور ظفر تو کجا؟ لیکن شکر خدا را است که ما به واسطه

خداوند ما عیسای مسیح ظفر می‌دهد» (اول قرن‌تین ۱۵: ۵۵، ۵۷). برای شبان کلیسا، مرگ یک عزیز فرصتی است منحصر به فرد برای تسلی دادن ماتمیان با توسل به حضور و قدرت ظفر مسیح بر صلیب و قیام شکوهمند او؛ اما همچنین فرصتی است تا به ایشان کمک کند مراسمی برگزار کنند که خدا را جلال دهد و کلیسایش را نیز تقویت بخشد. در خصوص تدارک مراسم تشییع جنازه و تدفین، عامل اصلی این نیست که شخص متوفی ایماندار بوده یا نه. آنچه که بسیار اهمیت دارد، این است که خادم خدا به کسانی که نیاز به کمک دارند، یاری برساند. این مراسم فرصتی استثنایی است برای اعلام امید قیامت و شراکت در اندوه خانواده عزادار. لازم نیست در مورد وضعیت شخص متوفی در ابدیت دست به تعبیر و تفسیر بزنیم، بلکه باید امید انجیل را تعلیم دهیم و برای ماتم‌زدگان دعا کنیم.

تدارك از پیش

در بسیاری از موارد، در مراسم تشییع جنازه روش‌هایی به کار برده می‌شود که مطابق با اصول مسیحیت نیست و باعث جلال یافتن خدا نمی‌شود؛ لذا عاقلانه است که خادم تا حد امکان در این موارد پیش از وقوع وفات، با خانوادهٔ شخص صحبت کند. روش من این بوده که از اعضای مسن کلیسایم بخواهم که تعیین کنند در مراسم تشییع جنازه و تدفین‌شان چه سرودهایی مایلند سروده شود و کدام بخش‌های کتاب مقدس قرائت شود. ممکن است این روش کمی خشن به نظر برسد. اما برای شخص ایماندار می‌تواند بسیار اطمینان‌بخش و رهایی‌بخش باشد که با قریب‌الوقوع بودن مرگ خود مواجه شود و آخرین شهادت خود را به مسیح آماده سازد.

برای برنامه‌ریزی مراسم تدفین، هدف باید این باشد که این امر با مراسم غیر مسیحی متفاوت باشد. اگر متوفی ایماندار بوده باشد، بسیار

مناسب است که مراسم در کلیسا برگزار برگردد. در غیر این صورت، باید آن را در خانه یا در یک سالن مخصوص برگزار کرد. آداب و رسوم فرهنگی زیادی هست که باید به خاطر خویشان و دوستان رعایت کرد، اما باید تمام تلاش خود را بکنیم تا به «امیدی که در ماست» شهادت را دهیم. سرودها و قرائت‌های مناسب باید از پیش تهیه شود و مورد تمرین قرار گیرد تا همه چیز با شایستگی انجام پذیرد. باعث تسلی بسیار است که خلاصه‌ای از شرح حال متوفی توسط یکی از اعضای خانواده خوانده شود و بعد از آن، وقتی برای شهادت‌های افراد داده شود.

مراسم در کلیسا

مراسم باید با خوشامد و ابراز همدردی آغاز شود و کلامی تسلی‌بخش از کلام خدا قرائت گردد. می‌توان از این آیات استفاده کرد: «اعانت ما از جانب خداوند است که آسمان و زمین را آفرید»

(مزمور ۱۲۱: ۲)؛ «خداوند ملجا و قوت ما است؛ مددکاری که در تنگی‌ها فوراً یافت می‌شود. پس نخواهم ترسید»؛ «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد زنده گردد. و هر که زنده بُود، تا به ابد نخواهد مرد» (یوحنا ۱۱: ۲۶).

سپس خادم باید طی دعای کوتاهی، حضور روح القدس و تسلی او را بطلبد. مثلاً می‌تواند بگوید: «ای خدای ابدی، پدر آسمانی ما، که با محبتی ابدی ما را محبت کردی و حضورت منبع تمام تسلی و آرامش ما است، اکنون بیا و وادی سایهٔ موت را به صبح قیام خود تبدیل نما. ما را مدد کن تا با قلبی آرام و همراه با توکل چشم انتظار تو باشیم. در این ساعت پریشانی‌مان از طریق کلامت با ما سخن بگو و ما را از تاریکی به نور و آرامش حضور خودت برآور. به واسطهٔ عیسی مسیح، خداوند ما. آمین!»

سپس توجه جماعت باید متوجه قرائت برخی

از مزامیر معطوف شود، مثلاً زمور ۲۳، ۳۹، ۴۶، ۹۰، ۱۲۱، ۱۳۰. پس از قرائت دو یا سه زمور، خادم می‌تواند جماعت را در امر دعای شفاعت برای خانواده متوفی هدایت کند. باید سعی کند برای هریک از اعضای خانواده متوفی به‌طور خاص و به نام دعا کند و برای زندگی و خاطره وی شکرگزاری به عمل آورد. سپس باید گزیده‌هایی از عهد جدید قرائت شود، برای مثال آیاتی از یوحنا ۱۴، اول قرن‌تین ۱۵، رومیان ۸، اول تسالونیکیان ۴ و مکاشفه ۲۱. پس از این قرائت‌ها، مناسب است که اعلامیه فوت خوانده شود و اعضای خانواده توضیحات شخصی خود را ارائه دهند. سپس خادم باید موعظه‌ای کوتاه از کلام خدا، حدود ده تا پانزده دقیقه ایراد کند و امید انجیل را اعلام نماید و بعد، مراسم را با دعا خاتمه دهد.

بر سر مزار

بر سر مزار، وقتی همه گرد تابوت جمع شدند، خادم باید مزمور ۲۳ را بخواند و پیکر متوفی را با امید به قیامت به خاک بسپارد. دعایی سنتی که معمولاً در این موقع خوانده می‌شود چنین است: «روح این برادر/خواهر را به رحمت خدای قادر متعال می‌سپاریم و بدنش را به خاک؛ خاک به خاک؛ به امید قطعی و مطمئن قیامت برای حیات جاودانی.» بعضی از خادمین عادت دارند بر روی تابوت خاک بپاشند و دیگران بر آن دست می‌گذارند و دعا می‌کنند و می‌گویند: «خدای قادر متعال که با مرگ پسر عزیز خود عیسای مسیح، مرگ را نابود ساخته‌ای، و با قرارگیری پیکرش در مقبره، قبر مقدسین را تقدیس کرده‌ای، و با قیام شکوهمندش حیات و فناپذیری را به نور آورده‌ای، ستایش و سپاس ما را برای پیروزی‌ای که به همهٔ آنانی که در او می‌خوابند داده‌ای بپذیر. ما را در مشارکت ابدی با منتظران خود

و با آنان که در آسمان با تو هستند نگاه دار.
به واسطه عیسای مسیح، خداوند ما که قیامت و
حیات است، جهان بی، انتها، آمین.»

بخش هشتم

پرستش، طعمی از آسمان

«و [خدا ما را] با او برخیزانید و در جای های آسمانی در مسیح عیسی نشانید» (افسیان ۲: ۶).

پرستش عالی ترین نشان کلیسای عیسی مسیح است. پرستش و عبادت خدای پدر از طریق کار نجات بخش پسر او عیسی مسیح، در قدرت روح القدس آن چیزی است که قوم خدا را از آنانی که در مذبح نفس و ماتریالیسم (مادی گرایی) عبادت می کنند، متمایز می سازد. در این مجموعه از مقالات در مورد پرستش خدا، کوشیدم در کی درست از کتاب مقدس در خصوص ماهیت پرستش خدا، کوشیدم در کی

درست از کتاب مقدس در خصوص ماهیت پرستش ارائه دهم تا کلیساهای فارسی زبان را در ارزیابی پرستش شان در پرتو شناخت درست خدا کمک کنم تا بتوانند خدا را به شیوه‌ای درست در روح و راستی بپرستند. هدف من در آخرین بخش از این مجموعه، این است که نشان دهم هرگاه خدا به درستی مورد پرستش قرار گیرد، مومنان طعم آسمان را خواهند چشید.

پرستشی آسمانی

در عهد عتیق، خدا سایه‌ای بود از چیزهایی که می‌بایست بیاید. از این رو است که موسی دستورالعمل‌هایی دقیق دریافت کرد تا خیمهٔ اجتماع را به گونه‌ای بسازد که بازتابی از پرستش در آسمان باشد. عبرانیان ۸: ۵ می‌فرماید: «ایشان شبیه و سایهٔ چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند.» اما با آمدن پیمان جدید، ما وارد واقعیت‌های آسمان می‌شویم. «و [خدا ما

را] با او برخیزانید و در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشانید» (افسیان ۲: ۶). عیسی وقتی با ایمان صادقانه نتنائیل روبرو شد، گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که از کنون آسمان را گشاده، و فرشتگان خدا را که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند، خواهید دید» (یوحنا ۱: ۵۱). همچنین یوحنا رسول وقتی عیسی را در رویا در آسمان دید، گفت: «و چون او را دیدم، مثل مرده پیش پای‌هایش افتادم» (مکاشفه ۱: ۱۷). یوحنا صحنه‌های دیگری را نیز از پرستش و عبادتی که در آسمان صورت می‌گیرد تشریح کرده است. پرستش خدا به‌واسطه عیسای مسیح طعمی از لذت شادی‌بخش پرستش در آسمان را از هم‌اکنون به ما می‌دهد. سراینده مزمور می‌فرماید: «طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت‌ها تا ابدالآباد» (مزمور ۱۶: ۱۱).

تقویت کننده کلیسا

پرستش بر روی زمین وقتی بر خودِ خدا متمرکز گردد، طعم آسمان را به ما می‌دهد، زیرا پرستش امری است که تمام آسمان را آکنده می‌سازد، یعنی جذب شدن در پرستش خدا. یوحنا ی رسول در مکاشفه ۷: ۱۱-۱۲ می‌فرماید: «در پیش تخت به روی در افتاده، خدا را سجده کردند و گفتند: آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابدالآباد. آمین!» هرچه بیشتر خدا را موضوع پرستش خود بسازیم، بیشتر رایحهٔ آسمان را احساس خواهیم کرد. ما سزاوار عذاب جاودانی بودیم؛ به همین جهت، هرچه بیشتر به صفات پرشکوه خدا بیندیشیم و بر فیض اعجاب‌آور او تأمل کنیم، نور خدا بیشتر بر اوقات حمد و ستایش ما خواهد تابید. پرستش خدا برای کلیسا جنبه‌ای مرکزی دارد، زیرا آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما پرستش خدا برای ابدیت باقی

خواهد ماند. بسیار حیاتی است که بیاموزیم نام خداوند را بر زمین جلال دهیم، زیرا کلیسا را برای آسمان آماده می‌سازد و آن را تقویت می‌نماید، طوری که بتواند در آزمایش‌ها و رنج‌های این جهان استقامت نشان دهد. کلیسا در پیکارهای کنونی خود قدرت دریافت می‌کند، چرا که می‌داند چه چیزی در انتظار قوم مسیح می‌باشد. در آسمان است که او را روبه‌رو خواهیم دید (اول یوحنا ۳: ۲)، و آنچه که بر زمین چشیده‌ایم، تبدیل به واقعیتی تمام عیار خواهد شد.

انگیزی برای زندگی خداپسندانه

پرستش بر روی زمین طعم آسمان را به ما می‌دهد و این می‌تواند ما را انگیزش دهد تا زندگی مسیح‌واری داشته باشیم و خداوند را خدمت کنیم. در پرستش خدا است که می‌آموزیم خدا را برای هر چیزی جلال دهیم. طبیعت انسان به نوعی است که می‌خواهد همه تکریم را به خود

نسبت دهد. فقط کار معجزه‌آسای خدا است که انسان را قادر می‌سازد تکریم و افتخار و جلال خود را به خدا واگذارد. من روش توصیف جان پایپر را از جلال دادن خدا خیلی دوست دارم؛ می‌گوید: «هرچه بیشتر رضایت درونی را در خدا بیابیم، خدا بیشتر در زندگی ما جلال خواهد یافت.» هرچه بیشتر رضایت درونی و واقعی خود را در خدا بیابیم، شعله خدمت مسیح با وارستگی بیشتر در ما فروزان می‌شود. موعظه‌های ما با اشتیاق برای خدا و کلامش انگیزش می‌یابد و شنوندگان ما تحت الزام بیشتری قرار می‌گیرند. سرودهای ما از شادی‌ای که برخاسته از رابطه‌ای صمیمانه با خدا است همراه می‌شود. و آنگاه اشتیاق برای برخورداری از زندگی مقدس از ترس ما از خداوند نشات می‌گیرد. وقتی به جریان یافتن این تغییرات پویا توجه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که کلیسا در حال پرستش، طعمی از جلالی را که در آینده خواهد آمد به ایماندار

می‌دهد. این همان چیزی است که نویسندگان عهد جدید آن را «امید» نامیده‌اند، امیدی که ناشی از اطمینان به آینده است به واسطه کار نجات‌بخش مسیح. در چنین شرایطی، پرستش تبدیل می‌شود به طعمی از آسمان، چرا که منجر به تحول زندگی می‌گردد - زندگی‌ای که بازتابی است از خصائل و تقدس مسیح.

ایجاد شور و شوق برای بشارت

و بالاخره، طعم آسمان را در پرستش زمانی متوجه می‌چشیم که شعله اشتیاق به جلال دادن طبیعت خدا از طریق شور و شوق به بشارت در ما زبانه بکشد، چرا که می‌دانیم نتیجه تکمیل‌شده آن را در آسمان خواهیم دید. یک‌بار دیگر با من به رویای یوحنا رسول درباره آسمان نگاهی بیندازید؛ می‌فرماید: «و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که هیچکس ایشان را نتواند شمرد، از هر امت و قبیله و قوم و زبان در پیش

تخت و در حضور بره به جامه‌های سفید آراسته و شاخه‌های نخل به دست گرفته، ایستاده‌اند» (مکاشفه ۷: ۹). پرستش در آسمان تکمیل شدن ماموریت بشارتی‌ای است که عیسی به کلیسایش سپرد آن زمان که به رسولانش فرمود تا انجیل را به تمام جهان موعظه کنند. هر چه شعلهٔ پرستش در قلب کلیسا فروزان‌تر باشد، کلیسا بیشتر انگیزش خواهد یافت تا به اقصا نقاط جهان برود و جلال خدا را با مردم در میان بگذارد. کلیسا در چنین شرایطی اشتیاق خواهد داشت که سایر مردم نیز طعم پرستش راستین را بچشند. جان پایپر در کتابش به نام «بگذارید ملت‌ها شاد باشند» می‌نویسد: «هرگاه اشتیاق برای حضور خدا ضعیف باشد، غیرت برای بشارت نیز ضعیف خواهد بود. کلیساهایی که بر جلال دادن و زیبایی خدا متمرکز نیستند، به ندرت اشتیاق خواهند داشت که جلال خدا را به ملت‌ها اعلام دارند (مزمور ۹۶: ۳).»

کتاب مکاشفه با فریاد اشتیاق هر مسیحی به پایان می‌رسد: «بیا ای خداوند عیسی!» آنانی که منتظر بازگشت اویند، کسانی هستند که طعم پرستش آسمانی را بر روی زمین چشیده‌اند و می‌توانند با تمام دل و فکر خود بگویند: «تخت‌نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالآباد!» (مکاشفه ۵: ۱۳).

دعای من این است که کلیسای شما به قدرت وصف‌ناپذیر پرستش پی ببرد- پرستشی که واقعیت‌های آسمان را آشکار می‌سازد. با اینگونه پرستیدن خدا، واقعیت‌های ملکوت آسمان وارد زندگی هر عبادت‌کننده خواهد شد و طعم آسمان را به او خواهد چشاند.

Biblical Worship by Ashton Stewart

This translation is published by the partnership between Jude Project and TALIM ministries. All rights reserved.

Layout setting: The Jude Project

Farsi translation Copyright © 2018 TALIM ministries

Published by Jaaam Publishers

A Division of The Jude Project

P.O Box 532 Ashburn, VA 20146

www.JudeProject.org

Printed in the United States of America

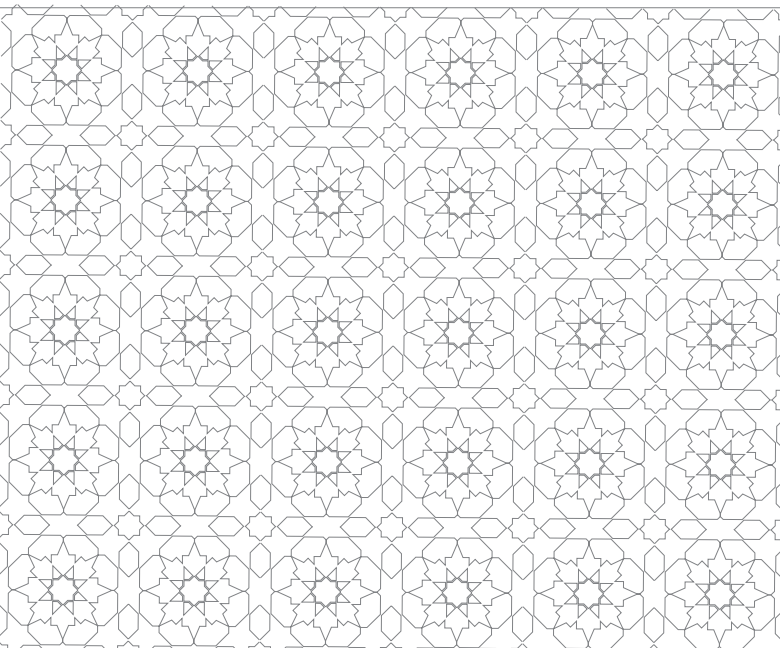
First Printing 2018

Interior & Cover Design: Jude Project

No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system, or transmitted in any form by any means—for example electronic, photocopy, recording—without the prior written permission of the publisher. The only exception is brief quotation in printed reviews.

If you would like more information about the Jude Project
or information about other resources in Farsi, or other
languages, visit www.judeproject.org or email us at:

order@judeproject.org



کشیش تت استیوارت دانش آموخته
الهیات مسیحی در دانشکده الهیات
پرینستون و مدیر سازمان تعلیم
است. تت استیوارت کتب دیگری
نیز از جمله «تشخیص دعوت الاهی
برای خدمت» و «تربیت فرزندان» را
به رشته تحریر درآورده است.



استیوارت جیمس
جیمس الیات سنسین

 JUDE PROJECT

مجموعه تعلیم